

اخبار

«**غلامرضا تختی» این بار در آی فیلم**

فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» به کارگردانی بهرام توکلی، پنجشنبه ۲۷ آذر در شبکه آی‌فیلم نمایش داده می‌شود.

به گزارش امتیاز، فیلم سینمایی «تختی» که برنده ۲ سیمرغ بلورین از سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر است، پنجشنبه شب ساعت ۲۲ از این شبکه پخش می‌شود. داستان این فیلم به‌نویسندگی سعید ملکان و بهرام توکلی، با قرارت و امضای وصیت نامه و خودکشی غلامرضا تختی، پهلوان کشتی‌گیر محبوب کشور، آغاز می‌شود. سپس با رجوع به گذشته از دوران کودکی اش که در فقر شدید و در لوکته‌های خانی آباد جنوب تهران می‌گذراند دامه می‌یابد

در این فیلم سینمایی بازیگرانی چون علیرضا گودرزی، شاهرخ شهبازی، ماهر الوند، ستاره پسایی، حمیدرضا آذرنگ، مجتبی پیرزاده، پرورش نظریه، معصومه قاسمی‌پور، بانپال شومون، آریلا پستانی، محسن تختی، بهنوش طباطبایی و فرهاد انیش به ایفای نقش پرداخته‌اند.

علاقه‌مندان می‌توانند بازیخش فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» را در ساعت‌های ۶ و ۱۴ روز جمعه تماشا کنند.

داستان «کشتی کرامت» و شاید «کشتی مرگ» در هیسپان تی وی

مستند «کشتی کرامت» روی آنتن هیسپان تی وی م رود. این مستند داستان مهاجرینی است که قصد دارند از طریق کشتی به امید زندگی بهتر به کشورهای اروپایی پناهنده شوند و اتفاقاتی را از سر بگذراند که در این مسیر شاید منجر به مرگ آن‌ها نیز شود.

به گزارش امتیاز، مستند «کشتی کرامت» (Dignidad a bordo) به کشتی ای اشاره دارد که توسط سازمان بشردوستانه پیشکان بدون مرز تجهیز شده و در دریای مدیترانه با هدف کمک به هزاران مهاجری که در تلاش برای رسیدن به خاک اروپا هستند، در حرکت است.

لوتیس شرکادو، تهیه کننده این مستند و تیم خبری شبکه هیسپان تی وی همراه این کشتی نجات شده و با داستان زندگی این مهاجرین همراه می‌شود. در ادامه این مستند، مخاطبین با یک فاجعه انسانی که دریای مدیترانه را به یکی از بزرگ ترین گورستان ها تبدیل کرده است، مواجه می‌شوند زیرا در راه رسیدن به مقصد، به دلیل جمعیت زیادی که در این کشتی ها و قایق های بزرگ و کوچک حضور دارند، با طوفانی شدن هوا و تکان های شدید این قایق ها، این افراد به درون آب افتاده و غرق می‌شوند.

در این مستند ۵۲ دقیقه ای، سعی شده با پرسیدن سوالاتی از این مهاجران، سفر آن‌ها به چالش کشیده شود؛ « چرا بسیاری از مردم تصمیم می‌گیرند که با جان و زندگی خود بازی کنند؟» « چرا آنها را محکوم به مرگ در دریا کرده‌اند؟».
« این مهاجران چرا برای رسیدن به عزت و شرف انسانی جان خود را به بازی می‌گیرند؟»، لوتیس هرتادو با پرسیدن این سوالات در هنگام سفر از مهاجرین، سعی در نشان دادن ابعاد مختلف زندگی این مهاجرین و چتری حضور این افراد در کشتی را به مخاطبین منتزیر نشان دهد. مستند «کشتی کرامت» محصول سال ۲۰۱۵ در دو قسمت ۲۵ دقیقه ای روز. پنجشنبه ساعت ۳:۳۰ به وقت تهران روی آنتن هیسپان تی وی می‌رود و بازیخش آن همان روز در ساعت ۱۴ و ۲۰:۳۰ برای علاقه‌مندان برنامه در آمریکای لاتین قابل مشاهده خواهد بود.

کار مشترکی از شبکه سحر و مرکز گسترش

سینمای مستند و تجربی

راهیابی «فرزندان شب» به جشنواره «جیفونی» ایتالیا

فیلم مستند «فرزندان شب» کاری از بهروز تورانی پور، محصول مشترکی از شبکه سحر و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به جشنواره «جیفونی» ایتالیا راه یافت.

به گزارش امتیاز، فیلم مستند «فرزندان شب» ساخته بهروز نورانی پور به بخش مسابقه پنجاهمین دوره جشنواره «جیفونی» ایتالیا راه یافت. این جشنواره در پنجاهمین دوره از ۶ تا ۱۰ دی ماه ۹۹ در کشور ایتالیا برگزار خواهد شد و فیلم مستند بلند «فرزندان شب» به بخش مسابقه مستند جشنواره شرکت خواهد کرد. جشنواره فیلم «جیفونی» یکی از معتبرترین جشنواره های فیلم و رویداد های سینمایی کودکان و نوجوانان جهان است که پنجاهمین دوره خود را در کشور ایتالیا خواهد گذراند. مستند «فرزندان شب» زندگی نوجوانان پاکستانی است که ضمن گذراندن دوره آموزش ایدولوژیک در مدارس مکتب دولت اسلامی، اغفال شده و در لوی ا داعش در سوریه تحت آموزش های کشتار انسانی در می آیند. این مستند با مرور زندگی این کودکان در مصاحبه با آنان که اینک در دوره اسارت در زندان به سر می برند، معصومیت کودکانه همراه با خشونت آموزش دیده را به تصویر می کشد. ظهور گروهک تروریستی داعش در منطقه و جهان و جنایت های آنان و توجه جهانیان به این موضوع، محور محتوایی این مستند است. از عوامل دیگر که در تولید مستند «فرزندان شب» نقش داشته اند: بهروز باتمانی؛ تصویر بردار، فرهاد سسگری؛ صدابردار، لقمان سنخور؛ تدوینگر، صدانگار ؛ مسلم رضوی، گوینده؛ آفوس بهزادی پور و آهنگساز؛ مسعود سخاوت دوست است. مستند «فرندان شب» پیش از این در شانزدهمین جشنواره بین المللی فیلم مقاومت حائز جایزه بهترین کارگردانی مستند بلند شد و در مهرماه گذشته در اولین اکران جشنواره خود در بخش رسمی مسابقه مستند بیست و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان BUSAN جشنوبنی نیز به نمایش درآمد.

نویسندگی بوکسوری که می‌خواست دریانورد شود

شاید اگر آقای ستایش، معلم ادبیات هنرستان صنعتی شیراز که به هیچ هنرجویی نمره کامل نمی‌داد، آن نمره ۲۰ را پای برگه انشای علی‌اصغر شیرزادی نوجوان نمی‌نوشت، سرنوشت یکی از نویسندگان مطرح روزگار ما طور دیگری رقم می‌خورد. شاید آن نوجوان بوکس را ادامه می‌داد، رویای دریانوردی را بی می‌گرفت یا به شوق نجات جان کودکان فقیر و درمانده و بیمار، حالا از پس سالیان گذشته، پزشک حاذق کودکان بود؛ اما آن نمره ۲۰ و کتاب‌هایی که آقای ستایش شوق خواندن‌شان را در شیرزادی نوجوان بیدار کرد، استعداد نویسندهای را شکوفا کرد و به یک ۲۰ دیگر رسید، برگزیده جایزه «۲۰ سال ادبیات داستانی» برای مجموعه داستان «غریبه و اقاقتیا». علی‌اصغر شیرزادی از این‌که به جای همه رویاهای دیگرش، رویای نویسندگی را محقق کرده رضی است. می‌گوید هر چند ادبیات می‌ساز و در بحران‌ها آرامش‌بخش باشد، اما نوشتن در روزگار سخت، کار آسانی نیست و البته فشارهای اجتماعی و اقتصادی، بازار کمرورقِ کتاب را بیش از گذشته سرد کرده است.

گفت‌وگو با علی‌اصغر شیرزادی در عصری پاییزی و البته در آستانه تولدش (۲۸ آبان‌ماه) انجام شده است.

با کرونا «طاعون» را دوباره دست گرفتیم

از نگاه شما به‌عنوان نویسنده پیشکسوتی که این روزها هم با ادبیات روز ایران و جهان و هم با آثار داستان‌نویسان جوان آشنایی دارد، رفتن به سراغ ادبیات می‌تواند پناه علاقه‌مندان به آن در روزهای سخت باشد؟

ادبیات در مفهوم کلی آن، در فشار بحران‌های آشکار، پنهان و نیمه‌پنهان، می‌تواند دست‌کم به اهل و علاقه‌مندان خود آرامش و تعلق خاطر نسبی ببخشد. به خاطر دارم که در دوران موشک‌باران شهرها و جنگ، در مقایسه با زمان‌های دیگر، ساعت‌ها و روزهای بیشتری را صرف خواندن و بازخوانی رمان‌هایی چون «جرز‌دگان»، «تسخیرشدگان» و «جنایت و مکافات» داستانیسکی یا «آنا کارنینا» و «جنگ و صلح» تولستوی، «وداع با اسلحه» هفمنگوی و رمان‌هایی می‌تواند دست می‌گیرد. از همین‌دندام پارسل آن، ویروس کرونا همه‌گیر شد، رمان «طاعون» آلبر کامو را که از سال‌ها پیش بارها خواندم، دوباره دست گرفتم. انگار نیازی من را برای خواندن چندباره این اثر تشویق می‌کرد. گذشته از روزهای سخت، مطالعه کتاب در هر وضعی، به دلیل بدتر کردن ذهن مخاطبی که به اندیشیدن علاقه دارد، سنگینی بار اضطراب را به میزان ملموسی کاهش و به خواننده آرامش می‌دهد.

نوشتن در بحران

از نظر شما، آثار ادبی روزهای سخت مثل دوران جنگ‌ها با بیماری‌ها، با آثار بقیه دوران تفاوت دارند؟

انتخاب اثر در چنین زمان‌هایی بستگی به علایق افراد دارد. از جنبه‌ای دیگر، معتقدم امکان نوشتن و خلق داستان در دوره‌های بحرانی، مثل جنگ و بیماری‌های اپیدمیک و وقتی نویسنده هم در معرض بحران‌های جمعی و فردی است، به کلی از بین می‌رود. این فقط تجربه من نیست، دوستانی که در سالیان دراز با آن‌ها ارتباط داشته‌ام، اغلب همین‌طور هستند. در آن‌ها دغدغه‌هایی که ذهن را آشفته می‌کند، بدون فراغت خاطر و آرامش نسبی، تمرکز و اشتیاقی برای افرینش داستان وجود نخواهد داشت. به گمانم حتی برای سرودن شعر هم، در چنین شرایطی مجال باقی نمی‌ماند. شاید بتوان آن‌چنین متوسط و گذرا خلق کرد، اما شعر عمیق نه، به‌خصوص که کیفیت خلق شعر، پیچیده و رمزآمیز است و به قلبان خلاقانه اندیشه و تخلیل نیاز دارد.

به‌عنوان نویسنده وقتی با فشارهای روحی مواجه هستید یا حال دل‌تان خوب نیست، نوشتن آرام‌تان می‌کند یا خواندن؟

من نمی‌توانم وقتی در منگنه فشار روحی هستم، اثری رضای‌کننده بنویسم. این واقعیتی است که آن را صدافته می‌گویم. شاید دیگری بتوانند حتی در اوضاع روحی پر فشار، به لطف اعصاب فولادین، با کمال آرامش به خودشان سفارش داستان‌نویسی بدهند و در همان وضع، ظرف چند روز مجموعه داستانی هم تولید کنند، اما من جزء این گروه از افراد نیستم.

وقتی رغبتی برای ادبیات وجود ندارد
به نظر شما شرایط اجتماعی و اقتصادی آرام‌تان می‌کند یا خواندن؟

جامعه، چقدر در گرایش عمومی به ادبیات یا رو برگرداندن از آن تأثیرگذار است؟

قطعا تأثیر دارد، وقتی اوضاع اجتماعی

و به‌ویژه وضع اقتصادی در سطح گسترده‌ای نابسامان باشد و مردم دغدغه‌های جدی و اساسی معیشتی داشته باشند، تردیدی نیست که فرصت، فراغت و رغبتی برای روی آوردن به ادبیات وجود



نخواهد داشت. البته شاید استثناهایی باشد، اما از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی هم، اوضاع نامناسب اجتماعی و اقتصادی تأثیر منفی بر

گرایش به ادبیات دارد. باید توجه کرد که موضوع روی‌گرداندن از ادبیات نیست، چون در واقع مردم درباره این موضوع تصمیم نمی‌گیرند، بلکه به‌طور طبیعی در چنین اوضاعی، اولویت‌های دیگری برای‌شان وجود دارد. به این‌ترتیب بازار کتاب خواندن که در وضعیت عادی هم چندان قابل اعتنا نیست، کم‌رورق‌تر می‌شود. چندین قرن پیش، که شاید اوضاع معیشتی مردم فر در عقب بود اما ویروس‌ی مثل کرونا در دنیا جولان نمی‌داد، سعدی شیرازی سروده است: «چنان قحطسالی شد اندر دمشق/ که یاران فراמוש کردند عشق». یا حافظ بی‌حمتا که انگار همین حالا در گوش‌مان می‌خواند: «کی شعر تر انگیزد، خاطر که حزین باشد؟» البته از این واقعیت می‌گذریم که متوسط شمارگان کتاب، به رغم افزایش جمعیت و خروجی پربرکت و بی‌وقفه دانشگاه‌های تکثیرشده، به مرز ۴هزارنگیز ۵۰۰ نسخه رسیده است.

نان و ماست خودم را می‌خورم

با این موضوع که برای ادبیات و مشخصاً داستان، کارکرد اجتماعی در نظر گرفته شود، موافقت؟

شاید بیشترین کارکرد اجتماعی ادبیات به مفهوم عام آن، در سخنرانی‌ها دیده شود. نمی‌توان نادیده گرفت که بسیاری از نویسندگان دیروز و امروز، آگاهانه و نیمه‌آگاهانه، کارکردهای مشخص، از جمله اجتماعی‌نویسی ناب را انتخاب می‌کنند. باید بگویم که مطلقا در خودم گرایشی از این دست پیدا نکرده‌ام. تا به حال نشده که با خودم بگویم حالا باید یک داستان اجتماعی بنویسم. من نان و ماست خودم را می‌خورم و تمایلی به چرخ‌تابیدن ملاقه در حلیم حاج‌عباس ندارم. اهل تحقیق چارچوب، ترسیم نمودار و استفاده از میزان‌سنج، برای محک زدن حدود اجتماعی بودن یا نبودن داستان نیستم. صدالبته با اجتماعی‌نویسان محترم نه تنها مخالفتی ندارم، بلکه اگر لازم باشد به احترام‌شما کلاه از سر برمی‌دارم. اما به نظر من داستان‌نویس برای آموزش دادن اجتماع و چنین فعالیت‌هایی، وظیفه قطعی ندارد. داستان‌نویس نه قاضی است، نه معلم و نه ناصح، او تنها یک شاهد است.

رها و آزاد می‌نویسم

بعضی معتقدند خوانندگان امروز، متن سهل را انتخاب می‌کنند و پیچیدگی‌های زبان، ساختار یا روایت داستان باعث می‌شود کتاب را کنار بگذارند. ویژگی‌هایی که شما در نوشتن از آن‌ها دوری نمی‌کنید و البته بسیاری از کارهای‌تان هم به رغم پیچیدگی‌های ساختاری و زبان چندوجهی، به چاپ‌های متعدد رسیده است. مثل رمان «هلال‌پنهان» که ظرف مدت کوتاهی چهار نوبت تجدید چاپ شد، یا مجموعه داستان «یک سکه در دو جیب». به نظرتان چرا این اتفاق افتاده و شما به‌عنوان نویسنده چقدر به این موضوع اهمیت می‌دهید؟

در یک نظر کلی، می‌توانم بگویم بیشتر مخاطبانی از این دست، کم و بیش آسان‌طلب هستند و احتمالا در مقلات دیگر زندگی هم چندان اهل زحمت دادن به خود نیستند. لابد موقع کتاب خواندن هم ترجیح می‌دهند داستانی سهل بخوانند و معمولا دنبال چرایی ماجراها نیست، بلکه مدام می‌خواهند بدانند بعد چه می‌شود؟ درست مثل تماشاچیان سریال‌های آب‌دوغ‌خیاری! قیلا هم دیگرانی درباره وجود نوعی پیچیدگی در آثارم صحبت کرده‌اند. باید بگویم هیچ عمد و اندیشه از پیش تعیین‌شده‌ای برای پیچیده نوشتن نداشته‌ام و ندارم. من رها و آزاد می‌نویسم. وقتی مشغول نوشتن داستانی هستم، به غریقی شبیه‌ام که فقط گاهی برای نفس کشیدن سر از آب بیرون می‌آورد. واقعیت این است که در چنین موقعیتی، اصلا به این موضوع که برای چه کسانی از خواص

چند داستان‌نویس جوان موفق شد که بعدها بعضی از آن‌ها خودشان کارگاه‌های داستان‌نویسی قابل قبول راه انداختند. البته فعالیت صورت‌انه آن‌ها هم در اوضاع فعلی، جای امیدواری دارد.

بوکس کار می‌کردم و دلم می‌خواست دریانورد شوم

با شناختی که امروز از خودتان دارید، جز نویسندگی در چه حرفه متفاوت دیگری می‌توانستید موفق ظاهر شوید؟

در نوجوانی که سر ژپدای داشتم و بوکس کار می‌کردم، دلم می‌خواست دریانورد شوم. بعدها با دیدن مرگ کودکان فقیر بر اثر بیماری‌هایی پیش پاافتاده، دلم می‌خواست پزشک شوم تا بتوانم به این بچه‌ها کمک کنم. نشده که آن رویاها رنگ واقعیت بگیرد، اما مهم نیست، چون انتخاب کردم که نویسنده شوم. با نویسندگی در مساز و کار پیچیده روان‌شناسی، به نوعی آسودگی رسیدم. گاهی فکر می‌کنم اگر آن رویاها نشد، بهتر از آن شد. به پشتوانه این راه توانستم خودم را پیدا کنم و آشفته و حیران و مقروض زمانه نباشم.

معلم می‌تواند آدم را نجات دهد

و حرف آخر...

نمی‌خواهم از جایگاه معلمان شریف این زمان بکاهم، اما باید بگویم که تأثیرگذاری معلمان در زمان نوجوانی من یا حالا به لحاظ ماهیتی متفاوت بود. معلم ادبیاتی که تعیین‌کننده مسیر زندگی من شد و امیدوارم هر کجا هست برومند و سلامت باشد، آقای ستایش نام داشت. این معلم با نگاه نافذ، چهره‌ای تکیده، قامت کشیده و صدای رسا، همیشه در خاطرمد زنده است. او بود که یک هنرجو در هنرستان صنعتی شیراز را، که در رینگ بوکس مدرسه در خاطرم زنده است، او بود که یک هنرجو دنبال مدل گرفتن بود، به خواندن و نوشتن ترغیب او تشویق کرد. معلم می‌تواند یک نفر را از خاک و ابتدال زندگی روزمره و کلیشه‌ای نجات دهد و به او هویت ببخشد. اگر می‌خواهیم بچه‌های معصوم، باهوش و جست‌وجوگر امروزی را به اندیشیدن و کشف جهان عادت دهیم، باید به معلمان رو کنیم و این فعالیت‌ها را از سنین پیش‌دبستانی جدی بگیریم. معلم می‌توانند پدر کتاب خواندن و احتیاج به فکر کردن و بازی در آن‌ها بچه‌ها بکارند. شاید این‌جا باید از خودمان بپرسیم چرا وضع کتاب خواندن و مطالعه به این روز رسیده است؟ زمانی بود که جمعیت کشور نصف بالا بود، تعداد کتابخانه‌ها اصلاً قابل مقایسه با امروز نبود و تنها بعضی شهرها دانشگاه داشتند. حالا با این‌که در هر شهر دوفراقتاده‌ای دانشگاه ساخته شده، خروجی دانشگاه‌ها سیل قارغ‌التحصیلات کم‌دانش است. این نشان می‌دهد بخشی از سیستم آموزشی ما معیوب است و نمی‌تواند نیاز به دانستن را به افراد القا کند. این‌طورلی که به نظر می‌رسد درصد بالایی از مردم، اصلا نیازی به بیشتر دانستن و فکر کردن احساس نمی‌کنند. این وضعیت خوب نیست و تا به حال تاوان و هزینه سنگین آن را پرداخته‌ایم، و اگر همین‌طور ادامه دهیم، باید همچنان تاوان دهیم.

معرفی کتاب‌های علی‌اصغر شیرزادی:

«یک سکه در دو جیب» - نشر افاق/ نشر گویا

– ۱۲۸ صفحه

«یک نقش و دو نقش»، «تاریک‌تر از آبی»، «روز کوتاه خاکستری»، «اندوه»، «خروس» و «یک سکه در دو جیب» عنوان شش داستان درین مجموعه هستند. این مجموعه داستان حاصل تجربه نویسنده بر مناسبات انسانی است؛ حکایتی از تلاش‌های از پیش‌باطل‌شده برای رهایی از سوءتفاهم‌ها و تنگناها.

«هلال‌پنهان» - نشر افاق/ نشر گویا - ۱۱۲ صفحه
از متن: «نگاه کنید. کله‌های خون و تکه‌های پوست و گیسو بر دامنه پرده تور سپیده‌اشد؛ در قاپ پنجره‌ای که دیگر پنجره نیست. کی و کجا اتفاق افتاد؟ انگار همین دیروز بود یا پریروز غروب، دو سه کوچه بالاتر یا پایین‌تر از این‌جا. حجاب روشن شیسه‌ای به تلنگری شکسته است و داستان ما پیش از آن‌که شروع شود تمام شده است.»
«غریبه و اقاقتیا» - نشر تی/ نشر علم - ۱۵۲ صفحه
این مجموعه داستان شامل ۹ داستان کوتاه با عنوان‌های «یک هم در غریب»، «حکایت کوچک کوچک»، «چاشنی تلخ»، «خیال‌رنگ»، «مات شده»، «دلاور»، «مغول در باران»، «با سایه‌ها و خاکسترها» و «غریبه و اقاقتیا»ست. نویسنده برای این کتاب جایزه «۲۰ سال ادبیات داستانی» را به خانه برده است.

«طبل آتش» - نشر تی/ نشر علم - ۵۹۸ صفحه
این مجموعه داستان شامل ۹ داستان کوتاه با عنوان‌های «هم در غریب»، «حکایت کوچک کوچک»، «چاشنی تلخ»، «خیال‌رنگ»، «مات شده»، «دلاور»، «مغول در باران»، «با سایه‌ها و خاکسترها» و «غریبه و اقاقتیا»ست. نویسنده برای این کتاب جایزه «۲۰ سال ادبیات داستانی» را به خانه برده است.

«طبل آتش» - نشر تی/ نشر علم - ۵۹۸ صفحه
این مجموعه داستان شامل ۹ داستان کوتاه با عنوان‌های «یک هم در غریب»، «حکایت کوچک کوچک»، «چاشنی تلخ»، «خیال‌رنگ»، «مات شده»، «دلاور»، «مغول در باران»، «با سایه‌ها و خاکسترها» و «غریبه و اقاقتیا»ست. نویسنده برای این کتاب جایزه «۲۰ سال ادبیات داستانی» را به خانه برده است.

فلاح‌پیشه را شامل می‌شود. عناوین ۲۲ خاطره یا فصل این‌کتاب به‌ترتیب عبارت است از: «سرنوشت مشترک»، «دوم؛ روح بی‌قرار»، «سوم؛ زندگی مشترک»، «چهارم، دل‌نگرانی‌های یک‌فرمانده»، «پنجم؛ دختر قندعسل‌بابا»، «ششم؛ روایت پایان جنگ»، «هفتم؛ تولدی که تبدیل به عزا شد!»، «هشتم؛ هیبت بچه‌های مخابرات»، «نهم؛ اصغر جاروفروش»؛ «دهم؛ زبانی که به گلایه باز نشد»، «یازدهم؛ هر روز بیشتر شبیه اصغر می‌شدم»، «دوازدهم؛ مسئولی که توالث می‌شست!»، «سیزدهم؛ بابایی که صدای بچه‌ها را در آورد»، «چهاردهم؛ روایت وداع با سپاه»، «پانزدهم؛ از کتروس من چادر سر نکنید!»، «شانزدهم؛ موج انفجاری که اصغر را گرفت»، «هفدهم؛ سال تحویلی که پیش خانواده نبود»، «هجدهم؛ سر شوریدهای داشت»، «نوزدهم؛ اصغری که بی‌مادر شد»، «بیستم؛ وزیر نفت روستای مشرف»، «بیست و یکم؛ آن‌شب دلم قرص بود»، «بیست و دوم؛ پننجی‌سیمی که حکم طلا را داشت»، و «بیست و سوم؛ دخترهای طاقت روزه قتلگاه نازاند!»

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم: اصغر واقعا خوش‌خوراک و خوش‌غذا بود. نمی‌شد غذا جلوش بگذاری و بگوید که اشتها ندار یا سیر است. همه غذاها را دوست داشت. البته قیمه برایش چیز دیگری بود. آن چنان با اشتها به خوردن می‌خورد که من را با وجود می‌آورد. با همه اشتهایی که به خوردن غذا نشان می‌داد، اهل تجملات نبود. این‌طور نبود که باید غذا حتما برنج و خورشت باشد. خیلی وقت‌ها به من می‌گفت غذا درست نکن! بگذار غذای حاضری و سبک بخوریم! نان و پنیر ساده خانه

روزنامه‌هیبران

استیجان

اخبار

نوجوانان آی‌فیلمی با «خانواده دکتر ماهان» همراه می‌شوند

نوجوانان آی‌فیلمی از از فردا چهارشنبه ۲۶ آذر با ماجراهی «خانواده دکتر ماهان» به کارگردانی علی‌محمد قاسمی همراه می‌شوند.

به‌گزارش امتیاز، سریال ۲۱قسمتی «خانواده دکتر ماهان» که در سال ۱۳۹۷ به سفارش گروه نوجوان سیما فیلم تولید و از شبکه دو سیما پخش شد، این بار در کانال فارسی آی‌فیلم روی آنتن می‌رود.

این سریال مخاطبش را به ساده زیستی داوطلبانه دعوت می‌کند و داستان آن درباره حمایت از محیط زیست و گونه‌های حیات وحش است و بخش زیادی از آن در شمال کشور تصویربرداری شده است.

امین زندگانی، لاله اسکندری، شیوا ابراهیمی، ارسطو خوش رزم، بهرام شاه محمدلو، سعید امیرسلیمانی، رویا افشار، شهروز ابراهیمی، فریده دریاچه به همراه کیمیا حسینی، عرفان برزین، فراز محمدتبار و ژایر محمدزاده از جمله بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. «خانواده دکتر ماهان» از فردا هر روز ساعت ۱۷ راهی آنتن می‌شود و بازیخش آن در ساعت‌های ۰۱:۰۰ و ۰۹:۰۰ روز بعد خواهد بود.

در شبکه سحر:

کانال کردی «در مکتبی ملقب به اصفهان»

سیر تحول کاشی کاری مساجد و محراب های ایرانی در مستند «در مکتبی ملقب به اصفهان» در کانال کردی شبکه سحر بررسی می‌شود.

به گزارش امتیاز، چگونگی شکل‌گیری و ویژگی‌های سبک بزرگ اصفهان و تأثیر آن بر معماری، شعر، ادبیات و فلسفه در مستند «در مکتبی ملقب به اصفهان» کاری به کارگردانی فرشاد احمدی از کانال کردی شبکه سحر بخش خواهد شد.

در این مستند علاوه بر مرور تاریخچه سیر تحول کاشی کاری مساجد و محراب ها، جلوه های گوناگون مکتب معماری ایران ملقب به مکتب اصفهان با استفاده از نرم افزاری‌های پویانمایی مختلف به تصویر کشیده خواهد شد. مستند «در مکتبی ملقب به اصفهان» که به سفارش صداوسیما مرکز اصفهان تولید شده است با زبانگردانی زهرا کیانی پور، ۲۶ آذر ساعت ۱۸:۳۰ به وقت تهران به مدت ۴۲ دقیقه از کانال کردی شبکه سحر پخش خواهد شد.

مسعود آب پرور با «هوش سیاه» در شبکه سحر

با تمام مجموعه تلویزیونی «درد سرهای عظیم» سریال «هوش سیاه» از کانال آذری شبکه سحر پخش می‌شود.

به گزارش امتیاز، این مجموعه ۱۵ قسمتی با کارگردانی مسعود آب پرور ساخته شده است.

این مجموعه که در ژانر اکشن و پلیسی در سال ۱۳۸۹ ساخته شده است موضوعات و جرایم رایانه ای را دستمایه قرار داده است. موضوعاتی همچون بلوتوث، سرقت نرم افزاری، هک، شرکت های هرمی، دوستی های اینترنتی از عناوین اصلی این سریال است. «سرگرد احمدی» معاون پیشگیری و مبارزه با جرایم رایانه ای پلیس که همراه با دستیاران خود درگیر پرونده ای پیچیده مربوط به یک خرابکار الکترونیکی به نام «جست‌کاطمی» و با نام مستعار «آمران بوربابی» است. حسین یاری، کیبکواس پایکیه، رضا آشتیانی، ارسلان قاسمی، افشین کتابچی، روح زنده یاد داریوش اسدزاده در فصل اول «هوش سیاه» به تهیه‌کنندگی سیدعباس فاطمی نقش آفرینی کرده اند.

فصل اول مجموعه تلویزیونی «هوش سیاه» از پنج شنبه ۲۷ آذر ساعت ۱۹:۰۰ به وقت تهران با دو زمان تکرار ۲۳:۰۰ و ۴:۰۰ صبح روز بعد بر روی این شبکه سحر است.

زبانگردانی و مدیریت دوبلاژ این مجموعه به زبان آذری برعهده مهدی حسین زاده است.

ظهور تکثیرسیم در افغانستان در (THE SUBCONTINENT)

بررسی تاریخچه ظهور گروهک تروریستی داعش در افغانستان در این قسمت ازبرنامه (THE SUBCONTINENT)تولیدشبهکبرپرس‌تی‌وی از کانال اردوی‌شبهک سحر پخش خواهد‌شد.

به گزارش امتیاز، برنامه (THE SUBCONTINENT) (شبه قاره) به بررسی عوامل افزایش فعالیت های نیروهای افراط‌گرا در افغانستان که با گسترده کردن خلأ امنیتی در این کشور به ثبات سیاسی اجتماعی افغانستان آسیب وارد می‌کند، خواهد پرداخت.

این برنامه ضمن اشاره به حمله اخیر تروریست‌ها به بزرگترین دانشگاه افغانستان در کابل و موسسه آموزشی دیگر و هدف قرار دادن قضاات و بازرسان تازه فارغ‌التحصیل متعلق به دولت افغانستان، و کشته و زخمی شدن ده‌ها تن اشاره ، به تفسیر وضعیت کنونی افغانستان از ابعاد مختلف خواهد پرداخت.دلایل افزایش حملات تروریستی تکفیری در افغانستان و متشنج شدن فضای امنیتی این کشور و به دنبال آن بی اثر ماندن آتش بس‌های اخیر طالبان با دولت افغانستان، چگونگی مهار افراط‌گرایی تکفیری با خصوص پس از عقب‌نشینی ارتش آمریکا، دلایل هدف قرار گرفتن مدارس و دانشگاه‌ها توسط افراط‌گرایان، تشابهات و اختلافات داعش با طالبان، تأثیر عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی بر فضای امنیتی افغانستان از موضوعات مهمی است که این برنامه به تفسیر آن خواهد پرداخت. برنامه «The Subcontinent» به تهیه‌کنندگی حسین مهدیان ۲۵ آذر ساعت ۱۸ مدت ۳۰ دقیقه به زبان اصلی از کانال اردوی شبکه سحر پخش خواهد شد.